

بذل و بخشش از جیب چه کسا نی؟!



خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و ابهام در ماندن ایران در این توافق بین‌المللی، واکنش‌های متعدد داخلی و جهانی را در پی داشت؛ برخی این حرکت دونالد ترامپ را تقبیح کردند و برخی تشویق. برخی داخلی‌ها اما تلاش کردند با زیر سوال بردن دستاوردهای برجام، تحریم‌هایی را که از آن به‌عنوان «کاغذ پاره» یاد می‌کردند، بی اثر نشان دهند.

این گروه که آقای جلیلی نیز در میان آن قرار دارد، برخی مواقع آمارهایی ارائه می‌دهد که در دنیای واقعی مصداق پیدا نمی‌کند مانند همین اظهارات اخیرشان در همایشی در شهر قم که اعلام کردند: «دشمن می‌گوید می‌خواهد فروش نفت ایران را تحریم کند، مگر این کار را سال ۹۰ نکردند؟ حتی در یک برهه کوتاهی موفق شدند فروش نفت ما را تا روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نیز کاهش دهند اما سپس فروش نفت ایران روند صعودی پیدا کرد، به گونه‌ای که طبق آمار بانک مرکزی در مرداد ۹۲ فروش نفت ایران به بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسید.» در این زمینه لازم است چند نکته بیان شود.

نخست؛ محدودیت علیه نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا، نخستین بار سوم اسفندماه ۱۳۹۰ (۲۲ فوریه ۲۰۱۲) اعمال شد. «کشورهای عضو اتحادیه اروپا در راستای اعمال فشار بیشتر بر ایران به‌منظور وادار کردن کشورمان به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود، با اعمال تحریم تدریجی بر نفت ایران و بانک مرکزی موافقت کردند. طبق توافق اعضای اتحادیه اروپا، از این پس امضای هرگونه قرارداد جدید از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با بخش نفتی ایران ممنوع خواهد بود و همه قراردادهای جاری میان اروپا و بخش نفت ایران سرانجام تا یکم ژوئیه لغو خواهد شد.» بنابراین صادرات نفت ایران در عمل در سال ۹۰، تحت تاثیر تحریم قرار نگرفت. میانگین صادرات نفت خام ایران در سال ۹۰، ۲ میلیون و ۲۲۰ هزار بشکه در روز بوده است و این روند تقریباً در همه ماه‌های سال ۹۲ با اندکی کم و زیاد حفظ شد. اگر منظور آقای جلیلی از برهه‌کوتاه مربوط به سال ۹۰ است که در سال ۹۰ شاهد کاهش ۶۰۰ هزار بشکه‌ای صادرات نفت ناشی از تحریم‌ها نبودیم. اگر هم منظورشان کاهش ۶۰۰ هزار بشکه در سال‌های بعد است

که پس از تحریم صادرات نفت ایران بیش از یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

دوم؛ تحریم واردات نفت ایران در عمل از فروردین ماه ۱۳۹۱ آغاز شد و وزیران امور خارجه ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۱ (۱۱ آوریل ۲۰۱۲) در اجلاس خود در بروکسل تصمیم گرفتند واردات نفت از ایران به کشورهای اروپایی را تحریم کنند. میانگین صادرات نفت خام ایران در این سال با بیش از یک میلیون بشکه کاهش به یک میلیون و ۱۳۰ هزار بشکه در روز رسید، همچنین با ادامه تحریم‌ها، ایران در سال‌های ۹۲ تا ۹۴ به ترتیب یک میلیون و ۲ هزار، یک میلیون و ۷۰ هزار و یک میلیون و ۱۲۸ هزار بشکه نفت به فروش رسانده است. البته اگر منظور آقای جلیلی صادرات نفت خام ایران در مردادماه ۹۲ زمانی که دولت یازدهم آغاز به کار کرد، است باید گفت مجموع صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در مردادماه ۹۲، حدود یک میلیون و ۲۰۴ هزار بشکه و سهم نفت خام از این میزان حدود ۹۶۶ هزار بشکه بوده است.

سوم؛ محض اطلاع باید گفت با اجرای برجام از دی‌ماه ۱۳۹۴ صادرات نفت ایران افزایش یافت. میانگین صادرات نفت خام ایران در سال ۹۵ و ۹۶ به ترتیب ۲ میلیون و ۹۰ و ۲ میلیون و ۱۱۵ هزار بشکه بوده است که در صورت محاسبه میعانات گازی، این ارقام به بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسند. آیا بازهم باید گفت برجام دستاوردی نداشته است.

آقای جلیلی در بخش دیگری از سخنرانی‌اش عنوان کرده است: «بر اساس اعلام رسمی مسئولان وقت وزارت نفت و اذعان مسئولان کنونی در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ که اوج تحریم‌ها علیه ایران اعمال شد، بیشترین سکوهای نفتی ایران در حال فعالیت بودند که این مسئله باعث تعجب دشمنان شده بود و امروز نیز باید با رویکرد جهادی و انقلابی تحریم‌ها را در عمل بی‌اثر کنیم و نشان دهیم می‌توان کشور را با اتکا به ظرفیت‌های درونی به شکل شایسته اداره کرد.» در این زمینه باید گفت: اوج تحریم‌های علیه ایران از سال ۹۱ آغاز شد و دولت دهم تنها یک سال از این تحریم‌های سخت را به پشتوانه درآمدهای میلیاردی که از نفت ۱۰۰ دلاری کسب کرده بود و عنوان پردرآمدترین دولت پس از انقلاب را به خود اختصاص داده بود، پشت سر گذاشت. بخش عمده‌ای از اوج تحریم‌هایی که آقای جلیلی از آن یاد می‌کنند در کنار کاهش درآمدهای نفتی بر دوش دولت یازدهم افتاد.

آقای جلیلی همچنین در صحبت‌های‌شان عنوان کردند که بیشترین سکوهای نفتی ایران در سال ۹۰ تا ۹۲ در حال فعالیت بود. همانگونه که در سطور بالا عنوان شد اگر منظورشان سال ۹۰ بوده است که هنوز صنعت نفت ایران تحت تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار نگرفته بود و اتفاقاً سکوهای نفتی با حداکثر ظرفیت در حال تولید بودند، اما اگر منظورشان سال ۹۱ و پس از آن است که باید گفت به دلیل سیاست‌های دولت دهم و عملکرد آقای جلیلی که منجر به صدور قطعنامه‌های متعدد علیه ایران شد، سکوهای نفتی مستقر در خلیج فارس مجبور به کاهش تکلیفی شدند.

چهارم؛ رویکرد انقلابی و جهادی که آقای جلیلی از آن حرف می‌زنند همیشه بوده است. اما آیا این رویکرد برای توسعه صنعت عظیم نفت کافی است؟ به عنوان نمونه نگاهی به پروژه‌های پارس جنوبی بیندازید تا ببینید که یک پروژه پنج‌ساله که می‌توانست با حداکثر ۲ میلیارد دلار به پایان برسد ۱۰ سال به درازا کشید و بیش از ۷ میلیارد دلار هزینه به مردم و کشور تحمیل کرده است. این هزینه‌ها را چه کسی متحمل می‌شود. آقای جلیلی از جیب چه کسانی چنین بذل و بخشش می‌کنید!؟